«فرهیختگان» به بهانه پنجاه‌وچهارمین نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا سابقه این تشکل دانشجویی را بررسی کرد

# میراث بهشتی

حانیه موحدین
دبیر گروه راهبرد

پنجاه‌وچهارمین نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا روزگذشته با پیام رهبر انقلاب برگزار شد. اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا متشکل از تمام دانشجویان کشورهای مسلمان حدود سال ۱۳۴۰ در اروپا تشکیل شد. این تشکیلات با عنوان عربی «اتحاد الطلبه المسلمین فی اروپا» و با علامت اختصاری (UMSO) به رهبری «اخوان‌المسلمین» تشکیل شده بود. از مهم‌ترین خصوصیات این تشکیلات این بود که تشکیلاتی اعتقادی محسوب می‌شد و سیاسی نبود. در واقع تشکل‌های دانشجویی حتی اسلامی، بیشتر به‌منظور رسیدگی به مسائل مختلف و مشکلات روزمره دانشجویان تشکیل شده بودند و در این میان ایرانیان نیز از این قاعده مستثنی نبودند و به صورت پراکنده فعالیت می‌کردند. این در حالی بود که به‌خصوص بعد از وقایع خرداد ۱۳۴۲، نیاز به راهبری و ساماندهی در میان دانشجویان خارج از کشور بیش از پیش احساس می‌شد تا مبارزات علیه نظام ستم شاهی را در مسیر اصلی خود به حرکت در آورد و دانشجویان این نیاز را حس می‌کردند که فعالیت‌های سیاسی خود را همسو با تحولات داخلی ایران پیش ببرند. گروه‌های غیراسلامی مانند کنفدراسیون جهانی محصلان و دانشجویان ایرانی هم بیشتر تفکرات مارکسیستی داشتند و به سرعت در حال یارگیری و جذب دانشجویان به سمت گروهک‌های چپ بودند. از این رو جلوگیری از انحراف دانشجویان به سمت تفکرات التقاطی نیز ساماندهی دانشجویان مسلمان را بیش از پیش نشان می‌داد. حضور دکتر محمد بهشتی به‌عنوان امام جماعت مسجد هامبورگ از فروردین ۱۳۴۴، به‌عنوان شخصیتی که به‌شدت معتقد به فعالیت تشکیلاتی بود، زمینه این مهم را فراهم آورد.

## ضرورت تقویت مبانی ایدئولوژیک قبل از حرکت‌های سیاسی

برگزاری چهارمین کنگره سالیانه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا در آلمان و حضور چند فعال ایرانی (عبدالله توسلی، اسدالله خالدی از دانشجوهای شهر گیسن و مصطفی حقیقی از دانشجویان شهر برانشوایگ) در این کنگره زمینه پی‌ریزی تشکیلات «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا» به شکل امروزی را فراهم کرد. بعد از این کنگره موضوع با آیت‌الله دکتر سیدمحمد بهشتی مطرح شد. ایشان به‌عنوان مشوق ایشان ظاهر شد و در نتیجه اولین گردهمایی برای سازماندهی این تشکل در ۲۱ اسفندماه همان سال (۱۳۴۴) با حضور ۱۰ تن از فعالان دانشجویی از شهرهای مختلف آلمان در شهر گیسن آلمان برگزار شد. در این نشست بعد از پیام آیت‌الله بهشتی اساسنامه این تشکل که عنوان «مجمع انجمن‌های اسلامی دانشجویان ایرانی مقیم اروپا» را به خود اختصاص داده بود، تدوین شد و به تصویب رسید. انتشار نشریه «مکتب مبارز» نیز به‌عنوان ارگان رسمی این تشکل در دستور کار قرار گرفت. بعد از نشست اول، برخی دانشجویان مسلمان از دیگر کشورها که در کنگره (UMSO) یا سایر انجمن‌های اسلامی شرکت می‌کردند هم متقاضی شرکت در این تشکیلات تازه‌تاسیس شدند. دکتر بهشتی هم معتقد بود که آنها از لوای (UMSO) به‌عنوان یک تشکیلات ثبت شده، خارج نشوند تا با موانع قانونی هم مواجه نشوند. از این رو، ۱۴ آبان ۱۳۴۵ (۵ نوامبر ۱۹۶۶) نشست دوم با حضور نمایندگان پنج انجمن تشکیل شد. در این نشست که باز هم در شهر گیسن آلمان برگزار شده بود عنوان «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا» (گروه فارسی زبان) برگزیده شد. آیت‌الله دکتر بهشتی پیامی مکتوب را به این نشست ارسال کردند. در بخشی از این پیام تاکید شده: «سلام بر دانشجویان مسلمان که امروز در دانشگاه‌های مختلف دنیا سرگرم تحصیل‌اند و بدون تردید در ساختن جامعه اسلامی آینده نقش مهمی خواهند داشت.... جوانان ما در زندگی شخصی و اجتماعی خود به یک نوع تکیه‌گاه روحی نیاز دارند. تکیه‌گاهی که بتوانند بر اساس آن هدف، خط مشی و شیوه روشن و سعادت‌بخشی خود برای خود انتخاب کنند و در برخورد با مسائل ساده یا پیچیده زندگی آینده خود از هرگونه تزلزل یا ابهام و سرگردانی به دور باشند. عده قابل‌توجهی از جوانان تحصیلکرده این تکیه‌گاه را در «اسلام» جست‌وجو می‌کنند... «اتحادیه انجمن‌های اسلامی در اروپا» که دانشجویان علاقه‌مند از بلاد مختلف در آن شرکت دارند می‌تواند در این راه قدم‌های سودمندی بر دارد. در فعالیت‌های همه‌جانبه و وسیعی که باید به وسیله اتحادیه مزبور و سازمان‌های مشابه آن در راه هدف‌های عمومی جهان اسلام صورت می‌گیرد به این واقعیت انکارناپذیر باید توجه شود که مردم سرزمین‌های مختلف جهان اسلام با کمال تأسف زبان مشترکی ندارند که بتوانند به آسانی با هم صحبت کنند و یکدیگر را بفهمند و از آنچه عملا در زندگانی هریک می‌گذرد آگاه گردند. دانشجویانی هم که از نقاط مختلف سرزمین پهناور اسلام برای تحصیل به اروپا یا نقاط دیگر عزیمت می‌کنند غالبا جز به زبان محلی خود به زبان مشترک دیگری آشنایی کافی ندارند، بنابراین «انجمن‌های اسلامی دانشجویی در اروپا و آمریکا» باید همراه با فعالیت‌های عمومی اسلام که همه در آن شرکت دارند بتوانند به نیازمندی‌های روحی و معنوی آنان پاسخ دهند... . این دانشجویان در آغاز ورود به اروپا یا آمریکا یا نقاط دیگر احتیاج فراوان به یک «پایگاه اجتماعی اسلامی» دارند که بتوانند زود با آن آشنا و مانوس شوند... این نیازمندی آنها را فقط از راه برنامه‌های گروهی، که به زبان محل آنها باشد، می‌توان تامین کرد. در غیر این صورت جوان مسلمان تازه وارد در برخورد با مسائل جدید خود را یکه و تنها می‌بیند و هم از این تنهایی رنج می‌برد و هم در معرفی اشتباه و لغزش در حل مسائل جدید قرار می‌گیرد... با توجه به این واقعیت است که کار تازه‌ای که شما جوانان عزیز و فعال، که عموما از اعضای فعال و احیانا موسس «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا» هستید، تحت عنوان «گروه فارسی زبان» آغاز کرده‌اید بسیار مفید، ضروری و منطبق با نیازمندی‌های واقعی جوانان مسلمان به نظر می‌رسد... امیدوارم در همه قدم‌هایی که در این راه برمی‌دارید اصل یکپارچگی و همبستگی کامل همه مسلمانان را چنان رعایت کنید که کار شما به‌راستی یک نمونه عملی و قابل تحسین برای حل مشکلات ناشی از زبان‌های مختلف محلی در جامعه بزرگ اسلامی باشد. امیدوارم موفق شوید این پیام اسلام را به گوش همه جوانان آماده و مستعد برسانید که آنچه اسلام از هر مسلمان می‌خواهد پاکدامنی در برابر طغیان هوس‌ها و پیشگیری از عوامل مختلف فردی و اجتماعی که به طغیان هوس‌ها و افسارگسیختگی و خودکامگی انسان کمک می‌کند، دفاع از عدالت همه‌جانبه و ریشه‌دار اجتماعی و کوشش در راه تکامل فضیلت‌های انسانی است.»

حدود ۱۰ ماه بعد از آغاز به کار رسمی شاخه فارسی‌زبانان اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا، فعالیت این تشکل با سازماندهی گسترده و رهبری آیت‌الله بهشتی چنان اثرگذار پیش رفت که فصل نویی را در این اتحادیه رقم زد. از این رو پنجمین کنگره سالیانه (UMSO) ۱۰ دی سال ۱۳۴۵ (۳۰ دسامبر ۱۹۶۶) با سخنرانی مبسوط آیت‌الله بهشتی برگزار شد. دکتربهشتی در این سخنرانی که به زبان عربی قرائت کردند به شرح وظایف اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا پرداختند. کوشش در راه نشر صحیح دعوت اسلام؛ حفظ اصالت اسلامی دانشجویان مسلمان در اروپا و صیانت آنها در برابر آفت غربزدگی، سست ایمانی و لاابالی گری، هوس‌پرستی و خودپرستی؛ راهنمایی و کمک به دانشجویان مسلمان در زندگی تحصیلی و خصوصی؛ کوشش در راه تفاهم، شناسایی متقابل و همبستگی جوانان مسلمان با یکدیگر به صورتی که از آنها نیروی همفکر، هم‌هدف و فعال در راه عزت اسلام و مصالح امت اسلام و وحدت واقعی مسلمانان جهان به وجود آید؛ از جمله وظایفی بود که دکتر بهشتی برای اتحادیه انجمن‌های دانشجویی اروپا برشمردند. جلسات اختصاصی این تشکیلات با شهید بهشتی ادامه داشت تا اینکه نشست سوم اتحادیه ۷ و ۸ مرداد ۱۳۴۶ در شهر ورتسبورگ با حضور نمایندگان بیشتری از انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی برگزار شد. اول تا سوم ژوئن ۱۹۶۷ (۱۱ تا ۱۳ خرداد ۱۳۴۷) شهر تریر آلمان میزبان نشست چهارم اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان بود و در این نشست برای اولین بار دکتر بهشتی به تدریس مبانی اعتقادی و تشکیلاتی پرداختند. اساسنامه اتحادیه نیز مورد تجدیدنظر قرار گرفت. دکتر بهشتی تاکید داشت برای رسیدن به هدف‌های عالی اسلامی، ایجاد «هسته‌های تربیت اسلامی» بین افراد مانند انجمن‌ها و اتحادیه‌ها ضروری است و باید با واقع‌بینی جلسات بحث‌های دینی با استفاده از نشریات مفید تشکیل شود تا به این ترتیب در تقویت نیروی ایمان و امید جوانان به آینده روشن و آماده ساختن آنان برای شرکت در تشکیلات اجتماعی وسیع‌تر گام‌های موثر برداشته شود. در نشست چهارم که شرکت‌کنندگانی حدود ۴۰ نفر داشت، برای اولین بار طی قطعنامه‌ای تبعید امام خمینی (قدس) محکوم شد و دفاع قاطعی از مبارزین علیه حکومت ستم شاهی شد. دفاع از مردم فلسطین و جنبش‌های آزادی‌بخش سیاه‌پوستان آمریکا نیز از دیگر محورهای مورد توجه این نشست بود. آن‌گونه که صادق طباطبایی در کتاب خاطرات خود روایت کرده بعد از این نشست گزارش عملکرد این اتحادیه توسط وی به امام خمینی ارائه شده است. اگرچه از ابتدا نیز بنیانگذار کبیر انقلاب در جریان فعالیت‌های این تشکل بودند.

پنجمین کنگره اتحادیه سوم تا پنجم خرداد ۱۳۴۸ برگزار شد. حالا دیگر این نهال تازه‌تاسیس به راهبری دکتر بهشتی چنان تنومند شده بود که تمام نمایندگان انجمن‌ها (حدود ۶۰) بر اساس ضوابط اساسنامه موظف به حضور باشند و اعتبارنامه‌شان مورد بررسی قرار گیرد. دکتر بهشتی در این نشست بر «ضرورت تقویت مبانی ایدئولوژیک قبل از حرکت‌های سیاسی» تاکید کردند. تاکیدی که پیش از آن نیز در تعالیم شهید بهشتی بر شاگردان خود به عناوین مختلف تاکید شده بود. از این رو بود که اتحادیه انجمن‌های اسلامی در سال‌های مبارزات انقلاب اسلامی از انحرافات هم‌دوره‌ای‌هایی چون سازمان مجاهدین خلق مصون ماند. در نشست پنجم دکتر بهشتی به‌عنوان «مشاور مبانی عقیدتی اتحادیه» برگزیده شد. دکتر بهشتی سمینارهای مختلفی در راستای آگاهی اعضا با نظام فکری و عقیدتی اسلام در مرکز اسلامی هامبورگ برگزار کرد.

## اولین پیام امام خمینی (ره) به اتحادیه

اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا، ۶ ماه پس از نشست پنجم خود یعنی در ۱۳ آذر ۱۳۴۸ (۴ دسامبر ۱۹۶۹) که لیالی قدر و بیست‌وسومین روز ماه مبارک رمضان نیز بود، گزارش مکتوبی از عملکرد خود به محضر بنیانگذار کبیر انقلاب ارسال کرد و امام خمینی (ره) نیز برای نخستین‌بار پیامی را تقریبا یک‌ماه بعد (۲۲ شوال، ۱۱ دی‌ماه ۱۳۴۸) به نام اتحادیه صادر کردند. پیامی که در دوفصلنامه «مکتب مبارز» شماره ۷، پاییز ۱۳۴۸ نیز منتشر شد. متن پیام امام خمینی (ره) به شرح ذیل است:

«اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان گروه فارسی‌زبان در اروپا - ایدهم الله تعالی: مرقوم مورخ ۲۳ شهر رمضان‌المبارک واصل گردید و از مضمونش مطلع شدم. جای تقدیر و تشکر است که طبقه جوان تحصیلکرده توجه به این مسائل دارند و درصدد چاره هستند. مع‌الأسف تاکنون دست خیانت استعمار، به وسایل مختلفه، فاصله عمیق بین طبقه جوان و مسائل ارجمند دین و قواعد سودمند اسلام ایجاد نموده، طبقه جوان را به روحانیین و اینها را به آنها بد معرفی نموده و در نتیجه وحدت فکری و عملی از بین رفته و راه را برای مقاصد شوم اجانب باز نموده است. و تأسف بیشتر آنکه همین دستگاه‌های مرموز نگذاشته‌اند طبقه تحصیلکرده به احکام مقدسه اسلام - به‌خصوص قوانین تشکیلاتی و اجتماعی و اقتصادی آن - توجه کنند و با تبلیغات گوناگون وانمود نموده‌اند که اسلام جز احکام عبادی مطلبی ندارد؛ در صورتی که قواعد سیاسی و اجتماعی آن بیشتر از مطالب عبادی آن است. اینجانب اکنون روزهای آخر عمر را می‌گذرانم و امید دارم که خداوند تعالی به شما طبقه تحصیلکرده توفیق دهد که در راه مقاصد اسلامی که یکی از آن قطع ایادی ظالمه و برانداختن ریشه استبداد و استعمار است کوشش کنید، و قوانین آسمانی اسلام را که برای تمام شئون زندگی از مبدأ وحی نازل شده است و عملی‌تر و سودمندتر از تمام فریضه‌ها است مطالعه کنید و تحت تاثیر تبلیغات مغرضانه اجانب واقع نشوید. از خداوند تعالی توفیق شما و عظمت اسلام و مسلمین را خواستار است. روح‌الله الموسوی الخمینی»

## اولین سرمقاله نشریه اسلام مکتب مبارز

اولین شماره نشریه «اسلام مکتب مبارز»، در شهریور سال ۱۳۴۵ منتشر شد. سرمقاله اولین شماره این نشریه که به قلم هیات تحریریه آمده به این شرح است: «دانشجوی عزیز! مولود جدیدی در اروپا پا به عرصه وجود نهاده است، اما به امید همکاری تو همفکر عزیز و همه انسان‌های شرافتمندی که در راه ایجاد دنیایی بهتر براساس «عدالت» و «تقوی» و پاکی و صلح و صفا در میان بشر صمیمانه می‌کوشند و در راه سرنگون کردن دستگاه‌های استبدادی و استعماری و حکومت‌های یزیدمنشی از بذل جان و مال خود باکی ندارند. خواه‌ناخواه این مولود هم مانند سایر نوزادان دیگر سراپا نقص و عیب می‌باشد و قدمش را گروهی گرامی خواهند داشت و به مبارکی و میمنت قبول خواهند نمود و برای عده‌ای مولد رنج و ناراحتی خواهد شد. از آنجایی که مولود ما در رحمی غیرمساعد پرورش یافته، ضعف و نقصش بیش از معمول بوده و ما خود، صادقانه به این موضوع ایمان داریم و همه آگاهیم که هیچ اثر و کوششی در مرحله اول، بی‌نقص و کامل نمی‌باشد و مسلم است که آن کوششی ماجور و قابل قبول است که در راه تکامل باشد و ما امیدواریم که بتوانیم به قدر وسع و توانایی خود شماره‌به‌شماره در تکامل نشریه خودمان بکوشیم. هدف ما در شناساندن چهره واقعی اسلام خلاصه می‌شود. اسلامی که «مبارز» است و «مولد» و این مطلب به نحو بارزی در لابه‌لای تاریخ روشن است ولی متاسفانه استعمارگران و استثمارچیان برای غارت گنج‌های کشورهای اسلامی چهره اسلام را عوض کرده و آن را محصور مساجد و عبادت‌های فردی نشان داده‌اند. راه و رسم ما برملا ساختن نقشه‌های شوم آنها می‌باشد. و ما صددرصد اطمینان و آگاهی داریم که اگر چهره واقعی اسلام به جوانان عرضه شود، همه مشکلات و عقده‌ها خودبه‌خود حل خواهند شد و جوانان، فوج‌فوج اسلام را از جان و دل خواهند پذیرفت. «مولود» ما صمیمانه دست‌های سایر برادران خود را که هر یک به وجهی در اروپا در خدمتند، می‌فشارد و آمادگی خود را برای هرگونه همکاری تا حدود امکان اعلام می‌دارد. نوزاد ما در مسیر تکامل خواهد بود و امیدواریم بتوانیم در اثر سعی و کوشش، به آرزوی «برناردشاو» نویسنده معروف اخیر انگلیسی که در کتاب Mohammad A. p. of Allah می‌گوید: «چنین پیش‌بینی می‌کنم و از هم‌اکنون آثار آن پدیدار شده است که ایمان محمد مورد قبول اروپای فردا خواهد بود» جامه عمل بپوشانیم.»

## اصل بر عدالت، آزادی در نقد و مسئولیت‌پذیری است

دکتر بهشتی با عنوان نظرهای مشورتی مرکز اسلامی هامبورگ در نشست ششم اصول انضباطی کار تشکیلاتی در اسلام را شرح دادند. اصول انضباطی که هم بر اصالت فرد و هم اصالت جامعه تاکید داشت. دکتر بهشتی تاکید داشتند: «در کار تشکیلاتی اصل اولی که اعضای تشکیلات باید به‌عنوان یک اصل غیرقابل تغییر قبول کنند این است که هر فردی که عضو یک تشکیلاتی شد مقداری از فردیت خودش را از دست می‌دهد» و اینکه مقامات دستوردهنده و مسئول نیز مبدل به عنصرهای خودسر و خودکامه نشوند به تعبیر شهید بهشتی تعالیم اسلامی چند دگم و اصل جزمی را معین کرده است:

**«دگم اول: ویژگی‌های افراد مسئول**

در انتخاب و به کار گماردن مسئولان مختلف باید شرایطی قطعی رعایت شود. در این مورد اسلام_اسلام به‌طور کلی اعم از شیعه و سنی_می‌آید یک دگم قطعی می‌دهد و آن این است؛ می‌گوید: مسئولیت‌های اداری جامعه را به‌خصوص آنجا که با سپردن قدرت، به‌خصوص قدرت توأم با یک سنگر نفوذ، به دست کسی بدهید که زندگی او نشان دهد این آدم، پایبندی به اسلام برایش از هر مساله دیگر در زندگی مهم‌تر است. این آدم خودش را در اختیار جامعه گذاشته است و زندگی‌اش این را نشان می‌دهد؛ نه اینکه جامعه را برای کامرانی خودش می‌خواهد. حالا این جامعه می‌خواهد یک انجمن اسلامی، یک اتحادیه یا یک جامعه بزرگ‌تر باشد. این یک دگم است؛ دگم در مورد انتخاب افراد. شکی نیست که این افراد باید لایق و کاردان باشند و لذا اصلا در اسلام روی این موضوع تکیه نشده است. یک دگم در اسلام وجود دارد و آن دگم «عدالت» است. در همه کسانی که قدرت به آنها سپرده می‌شود باید این شرط وجود داشته باشد: قدرت قضایی، اداری، اجرایی و هر قدرت که متمم اینها باشد.

**دگم دوم: آزادی انتقاد از رهبران**

«آزادی انتقاد از رهبران» در اسلام دگم است. هیچ حکومتی تحت هیچ عنوانی، تحت شرایط فوق‌العاده و غیرعادی و به‌طور کلی تحت هیچ شرایطی حق ندارد آزادی انتقاد از رهبران را از مردم بگیرد. حیف که نمی‌توانم خیلی با اصطلاحات فقهی حرف بزنم و الا می‌گفتم. چون چیزهایی هست که فقها می‌گویند به‌عنوان اولی واجب است ولی به‌عنوان ثانوی حرام می‌شود. بعضی چیزها هست که عنوان ثانوی برنمی‌دارد. اینها عنوان ثانوی برنمی‌دارد. یعنی برطبق آنچه ما از اسلام می‌شناسیم هیچ حکومتی تحت هیچ شرایطی حق ندارد آزادی انتقاد از رهبران را از دست مردم بگیرد. این در اسلام دگم است. رفقا، این مهم است. «ما در شرایط فوق‌العاده هستیم، با دشمن‌های مختلف روبه‌رو هستیم، حکومت نظامی اعلام می‌کنیم»؛ این در اسلام نیست. برای اینکه می‌دانید علی(ع) با دشمنان گوناگون روبه‌رو بود؛ در حال جنگ با معاویه هم بود؛ هیچ هم حکومت نظامی اعلام نمی‌کرد. نه‌تنها حکومت نظامی اعلام نمی‌کرد، حتی برای خودش حرس و پاسبان هم نگذاشته بود. آزاد در میان مردم می‌آمد و صریحا می‌گفت: «آن روزی فساد در جامعه رخنه می‌کند و زمامداران به صورت بت در می‌آیند که رابطه مستقیم میان مردم و زمامداران به کلی بریده شود.» از نظر فقه اسلامی «حجاب» حرام مطلق است. حجاب یعنی چه؟ یعنی اینکه زمامدار طوری زندگی کند که هر کس می‌خواهد پیش او برود باید از دربانی، مأمور تشریفاتی یا رئیس دفتری اجازه بگیرد. باید حداقل هفته‌ای یک بار، روزی یک بار، مقداری که برای شرایط زمان و مکان کافی باشد؛ در اختیار عموم باشد. «آقا، ترورش می‌کنند!» بکنند؛ چه کسی از علی(ع) ارزنده‌تر، که ترور شد...

**دگم سوم: مسئولیت طبقه آگاه‌تر**

دگم سوم به صورت یک شعار اینجا نوشته شده است. مثل اینکه خیلی از آنها به صورت یک شعار اینجا هست؛ اما حالا من به صورت دگم آن را می‌گویم. ای کاش متمم این شعار هم نوشته می‌شد. «مسئولیت طبقه آگاه‌تر.» من نه از کلمه روشنفکرها خوشم می‌آید نه از کلمه روحانیون. به جای کلمه «روحانیون» کلمه «علمای اسلام» را به کار می‌برم. اما این طبقه آگاه‌تر، مخصوص علمای اسلامی نیست. طبقه آگاه‌تر، نباید حتما عمامه به سر یا عالم اسلامی باشد. طبقه آگاه‌تر یعنی علما. این علما که اینجا نوشته است، نه خیال کنید فقط عمامه به سرها هستند، شما هم هستید: «وَ ما اَخَذَ الله عَلَی العلماء ان لایُقارّوا عَلَی کظّه ظالم وَ لا سَغَب مظلوم»؛ «خداوند از دانشمندان پیمان گرفته است که در برابر سیری بی‌اندازه ظالم و گرسنگی بی‌اندازه مظلوم آرام نگیرد.» شما هم همین‌طور، علما، آگاه‌ترها.»

## سخنرانی‌های شریعتی غذا و خوراک دانشجویان بود

در آستانه اولین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، ابوالحسن بنی‌صدر سعی داشت این گونه القا کند که نقش ویژه‌ای در نهضت اسلامی دانشجویان اروپا داشته است و از این رو به انکار واقعیت‌های تاریخی دست زد. آنچه در ادامه می‌آید بخشی از گفت‌وگوی دکتر بهشتی با اعضای دبیرخانه شورای انقلاب است که در آن به نقش آفرینان جنبش دانشجویی در اروپا در سال‌های پیش از انقلاب پرداخته‌اند. متن کامل این گفت‌وگو در کتاب «دکتر شریعتی جست‌وجوگری در مسیر شدن» منتشر شده است. «عرض کنم که یک چیزی که به گذشته مربوط می‌شود و اینجا بود این بود که گفته است (بنی‌صدر) آن وقت که اروپا را مارکسیسم تسخیر کرده بود ما دو نفر بودیم از فرانسه من و حبیبی. دو نفر هم از هامبورگ آقای دکتر کارگشا و آقای هوشی آمدیم و بچه‌ها را از چنگال مارکسیسم رهانیدیم. خوب، این مربوط به سال‌هایی است که من در آنجا حضور داشتم. من اول سال ۴۴ به آنجا رفتم تا ۴۹ در آن موقع در فعالیت‌های مربوط به ایجاد انجمن‌های اسلامی دانشجویی فارسی‌زبان و ایجاد یک حرکت اسلامی در برابر حرکت کنفدراسیون و تشکل و سازماندهی و سخنرانی و شرکت در جلسات بحث و مناظره اینها با مارکسیست‌ها من ایشان را لااقل یکجا هم ندیدم. ایشان در آن سال‌ها آرام‌آرام به این جریان کشیده می‌شدند. در آن اواخر شاید سال ۴۸ و ۴۹ بود که آقای حبیبی بیشتر و بعد آقای بنی‌صدر در میدان آمدند و بعد از سال ۵۰ به این طرف بود که این آقایان بیشتر آمدند آقای بنی صدر بیشتر آمدند و آقای قطب‌زاده در برخورد مسائل سیاسی با مارکسیست‌ها در جلسات حضور پیدا می‌کردند. آن موقع من برگشته بودم و آقای بنی‌صدر و حبیبی در مسائل ایدئولوژیک و سیاسی و بعد در اواخر آقای سروش این کار را می‌کرد. بعد در این فاصله دو اثر و پشتوانه مهم وجود داشت؛ یکی نقش امام خمینی به‌عنوان کسی که در لوای اسلام و روحانیت مبارزه با طاغوت را با قاطع‌ترین وجه مطرح کرد و اصلا زمینه‌ساز بود و حتی آن وقت که من شروع کردم همیشه می‌گفتم که من شروع کننده هستم. در زمینه‌ای که امام خمینی آن را فراهم کرده است و مبارزات این گونه‌ای و حتی نقش قبلی آقای مهندس بازرگان؛ در این زمینه همان وقت‌ها نوشته‌های من حاکی از آن است که در عین نقد بر آقای مهندس همیشه از ایشان تجلیل می‌کردم. این اگر عیب من است، عیب است و اگر حسن است حسن است. بر بینش سیاسی ایشان در رابطه با سیاست خارجی به‌خصوص آمریکا و ایران نقد دارم ولی از نقش ایشان در سال‌های ۲۲ به بعد تا سال ۴۲ تجلیل می‌کنم. خوراک این انجمن‌ها مقداری کتاب‌ها و نوشته‌های ایشان بود، نوشته‌های مرحوم آیت‌الله طالقانی نوشته‌های مرحوم استاد مطهری یک مقدار نوشته‌های خود من و دوستان دیگر که آن موقع کمی از آن منتشر شده بود و تا به حال هم نرسیده‌ام همه را سامان بدهم به علت احساس مسئولیت اجتماعی و بعد هم سخنرانی‌هایی که خود من در جلسات می‌کردم اولین بار جلسات بزرگ دانشجویی ایرانی در رابطه با اسلام به تعبیر بچه‌ها با دعوت از من در آنجا شروع شد. در مونیخ اصلا جرأت نمی‌کردند از ترس کنفدراسیونی‌ها جلسه اسلامی بگذارند این برادرمان مهندس سالاری هست که استاد علم و صنعت است ایشان را اینقدر تشویق می‌کردم که آقا یک جلسه بگذارید اینها می‌ترسیدند بالاخره من در سال ۴۸ یا ۴۹ بود که گفتم باید جلسه بگذارید و تمام چپ‌ها و راست‌ها را دعوت کنید من هم می‌آیم. تا آنها بالاخره توانستند یک جلسه بزرگ ۱۵۰-۱۶۰ نفری از دانشجویان ایرانی بگذارند. بحث‌های اسلام و ماتریالیسم، زن در اسلام را در شهرهای مختلف آلمان و اتریش مطرح می‌کردیم. البته من به علت گرفتاری‌ها و مشکلات کمتر می‌رسیدم به انگلستان و فرانسه بروم. من می‌بینم که تمام اینها فراموش شده و بعد هم نقش عجیب و خلاق و فراگیر مرحوم دکتر شریعتی در این انقلاب و در جذب نسل جوان و اندیشه جوان به اسلام که اصلا از آن یادی نشده و تاثیری که تک‌تک سخنرانی‌ها و جزوه‌های مرحوم دکتر شریعتی در طول این مدت در آمریکا و اروپا داشته است. تا قبل از رفتن امام به پاریس بیشتر نوشته‌ها و سخنرانی‌ها و نوارهای دکتر غذا و خوراک دانشجویان بود. او مثل سفره بود و بقیه مثل مخلفات سفره اصلا از این عوامل دیگر یادی نشده. من از مجموع این تکه‌ها به اضافه مطالب متعدد دیگری که هست احساس کردم آن مساله کیش شخصیت که درباره ایشان به‌عنوان مضمون می‌گویند و ایشان گویا این را هم در یک جا به دوستان ما منتسب کرده‌اند که آن دوستان ما برای وی درست کرده‌اند. در حالی که اگر شما بدانید این را در اروپا همان وقتی که این کتاب منتشر شده بود کسانی که با ایشان آشنایی داشتند این را گفته بودند که کیش شخصیت نموداری است از احساسات درونی ایشان. این یک برداشت من بود که یک نوع خودمحوری بیش از آنچه من تاکنون درباره‌شان باور می‌کردم در ایشان هست.»